

موسی نثری همدانی و مدرسه نصرت

(مهدی میرزایی ، دانش آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران)

شیخ موسی نثری دستجردی ، در سال ۱۲۶۰ ه.ش در دستجرد کبودرآهنگ متولد شد . وی ، تحصیلات دینی خود را تا مرحله خارج فقه در همدان به پایان برد و زبان فرانسوی را نیز فرا گرفت . در ۱۸ سالگی به عضویت انجمن ادبی همدان و حلقه نزدیکان غمام همدانی درآمد . ضمن اشتغال به کار معلمی ، به تحصیل علوم ریاضی ، علوم غریبه ، فلسفه ، منطق و عرفان پرداخت و در این راه به مدارج عالی رسید . وی در تمام این رشته‌ها ، پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای نمود و مثلاً در ریاضیات توانست برای حل معادلات درجه سه جبر و مقابله ، فرمول تازه ای پیدا کند که توسط شادروان دکتر علی اقبالی که از جمله شاگردان نثری در مدرسه نصرت همدان بود و در آن زمان در فرانسه تحصیل می‌کرد ، این کشف تازه به مرحوم پروفیسور هشترودی داده شد تا به آکادمی علوم ریاضی پاریس فرستاده شود .

موسی نثری به زبان و ادبیات عرب مسلط و در نگارش زبان فارسی نیز کم نظیر بود . انتخاب نام نثری نیز به همین دلیل بود . سبک نویسندگی او بسیار شبیه به سبک آلفونس دوده (1840 – 1897 م) ، نویسنده فرانسوی برجسته قرن ۱۸ و ۱۹ و پیرو سبک ناتورالیسم بود . جملاتش در نگارش ، ساده ، کوتاه ، گویا و مانند کلام سعدی سهل و ممتنع بود . وی از موسسان مدارس امیریه و نصرت همدان بود و سالها مدیریت مدرسه اخیر را برعهده داشت . در انتشار نشریات اتحاد و روزنامه آزاد ملی و مجله الوند در همدان مشارکت داشت و در آنها مقالاتی هم می‌نوشت . از سال ۱۳۰۴ ه.ش به بعد مناصبی چون ریاست اداره معارف همدان ، کرمانشاه ، کردستان و قزوین را عهده‌دار گردید و در اواخر عمر در تهران اقامت گزید .¹

نوشته های وی ساده و دلنشین بوده و در آنها مطالب مبتکرانه و عمیق بسیار می‌توان پیدا کرد . از حیث مایه علمی و فصاحت ادبی بر بسیاری از هم دوره های خودش برتری داشت و از اولین کسانی بود که در ایران به سبک غربی رمان نوشت . از رمان‌های او می‌توان به رمان عشق و سلطنت که رمانی تاریخی در زندگی و فتوحات کوروش کبیر است ، اشاره کرد . مردم ایران آن زمان ، کمتر نام کوروش

1 - محمد شریفی ، فرهنگ ادبیات فارسی ، تهران ، نشر نو ، انتشارات معین ، 1387 ه.ش ، ص 1403

را شنیده و با سلسله هخامنشیان نیز آشنایی چندانی نداشتند . به گفته ادوارد براون ، سبک نگارش این کتاب که به صورت داستانی نوشته شده ، همدید بهترین رمان های تاریخی اروپایی همزمان خود بود .

این کتاب در سال ۱۳۳۷ ه.ق در همدان چاپ شد . شرح مثنوی معنوی ، مهم ترین اثر او در حوزه ادبیات است که از شاهکارهای تالیفات قرن اخیر ایران می باشد . وی از اولین کسانی است که با قلمی ساده و دلنشین و فصاحتی بی مانند ، ۶ جلد دفتر مثنوی مولانا را به نثر در آورده و برای نخستین بار پس از هفت قرن بعد از نگارش مثنوی ، فهم مثنوی معنوی مولانا را برای عموم مردم آسان کرده است . دیگر آثار و تالیفات علمی وی عبارتند از رمان افسانه طی زمان ، رمانی به نام تاریخ غیرت درباره دلاوری ها و پایداری های همدانی ها در برابر سپاه عثمانی در دوران پایانی سلسله صفویه و در عهد شاه طهماسب دوم و آغاز دوره نادرشاه که بعد از سالها اخیرا منتشر شده است ، این کتاب شامل اطلاعات دقیق مردم شناسی و شهر شناسی و معماری شهری همدان در اواخر عهد صفوی نیز هست . قواعد نثری در جبر و مثلثات ، مقدمه و تدوین دیوان غمام همدانی ، تفسیر سوره یوسف (ع) و برخی از ابتکارات ، اختراعات و کشفیات وی بدین قرارند : کشف فرمول حل معادلات درجه سه ریاضیات و برخی اشکال هندسی که به نام قوانین نثری معروف است . تئوری علمی ضبط امواج ، اصوات و اشکال ، ساخت ساعت آفتابی شاخص و نصب آن در مسجد جامع همدان ، اختراع وسیله ترسیم بیضی که در دایره اختراعات به نام وی ثبت گردیده است . وی در ریاضیات نیز تا حد زیادی تبحر داشت ، به طوری که معادلات سه مجهولی را که قسمت اول آن توسط حکیم عمر خیام حل شده بود را تکمیل کرد و به پاداش این موفقیت علمی به افتخار او ، مجلس جشنی در آکادمی علوم فرانسه برگزار شد . نثری در سال ۱۳۳۲ ه.ش در سن ۷۲ سالگی چشم از جهان فرو بست .

در ادامه ، قسمتهایی از خاطرات دکتر علی اقبالی² که در دوران نوجوانی و جوانی از شاگردان نثری در همدان و در مدرسه نصرت بود ، آورده می شود تا جلوه هایی از زندگی وی بر خوانندگان روشن گردد . دکتر اقبالی در مورد چگونگی تدریس و اداره مدرسه نصرت خاطرات جالبی را بیان می کند که در ادامه قسمت هایی از آن بیان می گردد : نثری آنچه را که در سایر مدارس ایران از جمله مدارس تهران آموزش داده می شد ، به دانش آموزان یاد می داد . او ساختن باتری (پیل برقی) و تبدیل سیب

2 - علی اقبالی ، بنیانگذار تدریس رشته نقشه برداری در دانشگاه تهران و موسس مدرسه عالی کشاورزی همدان که از سال ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۴ ه.ش به مدت ۱۰ سال در مدرسه نصرت به مدیریت موسی نثری شاگرد وی بود .

زمینی به قند به وسیله بخار آب را آموزش می‌داد و با ساختن زیجی در بالای بام مدرسه تازه ساخته شده نصرت ، ساعات روز ، اوقات شرعی نماز ، غروب آفتاب و حرکت ماه را در ایام مختلف سال ، به خصوص در ماه رمضان تعیین می‌کرد و به مسئولین مساجد و مودنان اطلاع می‌داد . در نبود فضا و امکانات ، آزمایشگاه شیمی کوچکی در زیرزمین مدرسه برای درس شیمی ساخت و در آنجا کارهای شیمیایی و مسائل مربوط به آن را آموزش می‌داد و وسایل مربوط به علم فیزیک را خودش می‌ساخت و چگونگی کار با آنها را نیز تعلیم می‌داد که شاید در آن زمان ، فقط در مدارس تهران چنین کاری انجام می‌شد . وی مردی ساده ، بدون غرور و خودستایی و به معنی واقعی کلمه وارسته بود . از بین صدها مقاله درباره مسائل گوناگون ادبی ، تاریخی ، علمی و طبیعی که نگاشته ، فقط معدودی از آنها در روزنامه‌ها و مجلات قدیمی به چاپ رسیده است .

نثری ابتکارات علمی و اجتماعی زیادی داشت و با وجود اینکه به اروپا و آمریکا سفر نکرده بود ، رفتار ، اخلاق و روش آموزش و پرورش او بسیار پیشرفته تر از زمانه وی بود . آنچه بیش از هر چیز برای او ارزش داشت ، اندیشیدن دانش آموزان بود و به همین منظور برای انشا نویسی آنها عناوینی انتخاب می‌کرد که لازمه آن تفکر دانش آموزان بود . دانش آموزان را وادار می‌کرد درباره مسائل فکر کنند و مبتکر بار آیند و چون به زبان فارسی و آموزش آن بسیار علاقه داشت ، در نگارش و استفاده از این زبان ، آن را طوری آموزش می‌داد که واژه ها را در جای خود به کار ببرند تا بیهوده به کار گرفته نشود . در سالهای پنجم و ششم ابتدایی ، از دانش آموزان می‌خواست که از نظم و نثر نویسندگان فارسی پیروی کنند و نوشته های آن ها را برای بهبود نگارش خود انتخاب کنند . درباره نویسندگی این نصیحت را می‌کرد که در فکر این باشیم که مسائل را با جمله های سنگین و پیچیده و خسته کننده و گاهی نامفهوم آغشته نکنیم ، بلکه بکوشیم آنچه را که در اندیشه داریم ، روی کاغذ بیاوریم و نویسندگی را چنین تعریف می‌کرد : « آنچه را که می‌اندیشیم ، بتوانیم همان را روی کاغذ بیاوریم » که بسیار هم نظر درستی بود و همیشه می‌گفت آنان که این توانایی را دارند ، بسیار اندک هستند .

نثری با تلاش فراوان ، توانست دوره متوسطه را در مدرسه نصرت پایه‌گذاری کند . از هر جا که ممکن بود معلم های شایسته و متخصص را جمع می‌کرد و خود نیز بخش عمده ای از تدریس دروس سه ساله اول متوسطه را در آن مدرسه به عهده گرفته بود . در نهایت نیز موفق گردید که نخستین فارغ التحصیلان دوره اول متوسطه را در سال ۱۳۰۴ ه.ش ، تقدیم جامعه علمی همدان نماید . چند روز پیش از عزیمت عده‌ای از این فارغ التحصیلان ، برای ادامه تحصیل به تهران و کسب مدارج بالاتر ، آنها را

به نزد خود فرا خواند و اندرزهای ساده و پر معنای خود را بدرقه راهشان کرد . نثری به ما گفت که شما مانند فرزندان من و جوان هستید . شما به تهران می روید که به جایگاه علمی بالاتری دست پیدا کنید ، در این راه بکوشید که کشور سخت نیازمند شما جوانان دانشمند است ، در ضمن از سیاست و سیاست بازی پرهیز کنید که ظاهری فریبنده دارد و اغواگر است ولی دارای باطنی زشت و پلید است ، آنچه که در ظاهر می بینید ، به غیر از چیزی است که در پشت پرده می گذرد .

نثری حدود ده سال مدیریت مدرسه نصرت را بر عهده داشت و در این سالها با مشکلات و ناملایمات زیادی نیز روبرو شد ولی با خردمندی و جسارت و پشتکار همه را پشت سر گذاشت . این گفته فراموش نشدنی وی که « ایرانیان دیر شده است ، هرچه زودتر به سوی کار و علم شتابید » پس از ۸۰ سال ، هنوز در گوش همگی ما طنین انداز است که تا چه اندازه وی با واقع بینی سخن گفته بود .

مشکل دیگر مرحوم نثری در دوران مدیریت خود در مدرسه نصرت ، وضع مالی ناگوار مدرسه بود . بیش از ۱۰ ماه ، حقوق معلمین مدرسه عقب افتاده بود و البته این مشکل تمام مدارس بی پول آن زمان بود . معارف ایران در آن زمان پشتیبان نداشت . مردم ارزش دانش و هنر را نمی دانستند و تنها عده ی انگشت شماری فرهنگ دوست بودند که از آنها هم کار خاصی ساخته نبود . تا سال ۱۳۰۱ ه.ش ، حدود یک سال ، حقوق ناچیز معلمین مدرسه دولتی نصرت پرداخت نشده بود و دانش آموزان هم به واسطه ناتوانی مالی خانواده هایشان قادر به پرداخت ۲ تا ۴ قران شهریه ناچیز خود نبودند .

بیکاری ، قحطی و اغتشاش پس از جنگ جهانی اول و در کنار آن اوضاع آشفته کشور ، همه را درمانده کرده بود . معلمین از این نظر ، بیش از سایرین در مضیقه بودند . نثری می کوشید که روزانه ۱۵ تا ۲۰ قران جمع آوری کند و میان هفت ، هشت نفر از معلمین مدرسه تقسیم کند تا حداقل بتوانند نان روزانه خود را فراهم کنند . این وقایع نه اغراق است و نه تخیل و بزرگنمایی بلکه واقعیتی بود تلخ از روزگار سخت گذشته مردم ایران پس از جنگ جهانی اول . معلم های این مدرسه ، با حقوق ماهیانه حدود ۳ تا ۳۰۰ ریال از ساعت ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر تدریس می کردند و با شکم گرسنه ، به دانش آموزان پند و اندرز می دادند که خوب درس بخوانند و برای اعتلای ایران کوشش کنند .

اوضاع خراب اقتصادی ایران و بودجه ناچیز کشور ، به هیچ عنوان کفاف مخارج داخلی کشور و مردم را نمی نمود و از طرف دیگر چپاول و نافرمانی و هرج و مرج و آشوب در کشور بیداد می کرد تا اینکه از سال 1300 ه.ش به بعد ، لشکری در همدان به فرماندهی سرلشکر امیر احمدی مستقر شد .

محل پادگان و استقرار نیروهای وی ، یک قلعه قدیمی و تاریخی در نزدیکی شهر بود . با آمدن این نیرو به همدان ، مردم جان تازه ای گرفتند و اندکی احساس آرامش نمودند زیرا با وجود این نیرو ، زورگویی ها و چپاول ها در این منطقه به پایان می رسید . مالیاتها وصول می شد و امکان آموزش نیز فراهم و اندکی اوضاع مالی نیز بهتر می گردید .

همانطور که ذکر شد تا سال ۱۳۰۱ ه.ش ، نزدیک به یک سال حقوق اندک معلم های مدرسه نصرت پرداخته نشده بود و شهریه ناچیز مدرسه را هم دانش آموزان به واسطه ناتوانی مالی خانواده هایشان قادر به تامین نبودند ، نرسیدن حقوق بخور و نمیر این معلمان باعث شرمساری نثری می شد و البته وی هم به عنوان مدیر مدرسه ، وضعیت بهتری از دیگر معلمان نداشت و با همان وضعیت زندگی می کرد . برای جلوگیری از تعطیل شدن کلاس درس با معلمان روبرو نمی شد و در مقابل به اندرز متوسل می گردید و در روی تخته سیاهی که در راهرو درب ورودی مدرسه گذاشته بودند ، بارها این جمله ها را می نوشت که « معلمین عزیز که فرزندان من به شمار می روند ، درس را تعطیل نمی کنند » یا « معلمین بر خلاف دین و شیوه میهن دوستی ، درس نوباوگان را ترک خواهند کرد » . از این گونه گفته ها می نوشت و مدرسه را ترک می کرد و پی یافتن پول به تلاش می افتاد.

بدین گونه معلمان و آموزگاران از رفتن به کلاس درس خودداری نمی کردند. در نهایت روزی یکی از اشخاص خردمند پیشنهاد داد که برای حل این مسئله ، این مشکل را با فرماندهی لشکر غرب یعنی سرلشکر امیر احمدی در میان بگذاریم ، این بود که مدرسه تعطیل شد و با صفوف منظم ، دانش آموزان راهی قلعه کهنه ، مقر استقرار امیر احمدی شدند و یک نفر از دانش آموزان کلاس ششم ابتدایی ، ماجرا را برای او تعریف کرد و بعد از آن هم ما به مدرسه بازگشتیم . فاصله مدرسه تا قلعه کهنه حدود ۲ کیلومتر بود . دستور امیر احمدی به اداره دارایی همدان که بسیار هم قاطع بود و معلوم نشد به چه صورت بوده است ، به این نتیجه منجر شد که اداره دارایی همدان بلافاصله همه ی حقوق های عقب افتاده معلم ها و کارکنان مدرسه را یکجا پرداخت کرد . وقتی به مدرسه رسیدیم ، با کمال تعجب ، مأموران اداره دارایی را دیدیم که با کیسه های پول دو تا پنج قرانی ، قبل از ما به مدرسه آمده بودند و کلیه طلب های معلمان را پرداخت می کردند و شیخ موسی با خوشحالی از روبراه شدن وضع مدرسه و معلم های زحمتکش آن ، توانست راه پر افتخار خود را در امر آموزش ادامه دهد .³

3 - علی اقبالی و ... ، زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر علی اقبالی ، تهران ، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، 1387 ه.ش ، صص 22 - 32